

دریچه‌ای روبه دریا

یادداشت



علیرضا سعیدری

از سرمایه‌های بشری یکی و شاید مهم‌ترین آن‌ها همین هنر و ادبیات است. موهبتی که خدا به مخلوق خود بخشیده است تا با فهم و دانش و خلاقیت خود، اهداف، آرمان‌ها، گذشته، حال و حتی آینده‌اش را به تصویر بکشد چه به قلم و چه به مدد یکی از ابزار هنری. در این میان شعر و داستان جایگاهی ویژه تر دارد و از قضا برخی ملت‌ها و فرهنگ‌ها از این موهبت برخوردارترند. زبان فارسی و بوم و بر کهن ایران زمین از آن جمله است که همواره ادبیات‌اش در اوج قرار داشته و دارد و جهان این اقلیم از جغرافیای زمین را به شعر و شاعری و ادبیات می‌شناسد. آن هم نه شعری که صرفاً بازگویی عواطف و تخیل باشد که معرف اندیشه، فرهنگ، تاریخ و دانش است. هنوز نام بزرگانی چون فردوسی، خیام، حافظ، مولانا و سعدی از گنجینه مفاخر ایرانی در ذهن و ضمیر آدمیان بیرون از این سرزمین شناخته شده است. شعر که به واقع یک «ثروت ملی» است و یک سرمایه جاودان، نشانی از هویت ملی و فرهنگی ما ایرانیان است. در طول تاریخ و در مقاطع مختلف تاریخی این موهبت الهی به کار آمده و سندی شده است بر دوام ما. شعر فقط بیان واگویه‌های شخصی نیست که البته در جای خود ارزشمند است اما در نگاهی جامع شعر در سرزمین ما از مبانی فرهنگی به شمار می‌رود و با هویت تاریخی ما بر چسب خورده است.

در گذر زمان و در شرایط تاریخی مختلف شعر دیده شد، به میدان آمد، تأثیرگذار بود و سرنوشت ساز و از جمله آن است شعر و ادبیات انقلاب اسلامی که در آستانه پیروزی انقلاب ۵۷ شکل گرفت و تا به امروز پرونده دیگری در ادبیات این سرزمین گشوده است.

ادبیات انقلاب به اعتبار مفاهیم و گستره معنایی

که انقلاب اسلامی پدید آورده بود توانست پنجره‌هایی تازه بگشاید و شعر و داستان در بستری متفاوت رخ نماید. ادبیات انقلاب اگر چه در ابتدا بیشتر معطوف به حال و هوای انقلابی خود بود اما با گذشت زمان توانست در جای خود پا بگیرد و صاحب اعتبار و اعتنایی در خور شود. شعر البته پیشتر از داستان خود را نمایانده و به دلیل ویژگی‌های ذاتی شعر و البته ذخیره‌های ذهنی و تاریخی - ادبی ایرانیان به سرعت و جدی با انقلاب همراه شد و نه تنها با استفاده از شعار که نوعی شعر برآمده از شعور اجتماعی است و قابلیت‌های دوران نهضت را دارد، حتی شاعران مشخصاً با سرودن شعر به معنای واقعی و فنی آن عرصه بروز و ظهور یافتند و زمینه‌زایش شعر انقلاب را فراهم ساختند. شاعرانی که در ابتدای انقلاب پا به عرصه شعر گذاشتند، شاید چندان شناخته شده نبودند اما در کنار شاعرانی که صاحب اعتبار بودند همراه با مردم آرمان‌های انقلاب را دنبال کردند توانستند خودنمایی کنند. برخی از این شاعران نوجوان و جوان سال‌ها بعد نام و آوازه‌ای در خور یافتند و صاحب شناسنامه شدند. شعرها در محافل ادبی و انقلابی خوانده شد، نقد شد و روز به روز جانی تازه گرفت. اما این شعر و ادبیات هنوز به درستی بر جای نایستاده بود که جنگ تحمیلی فضایی دیگر بر روی شعر و داستان گشود. دفاع مقدس عرصه شعر را از حال و هوای انقلاب ۵۷ به سمت شعر جنگ سوق داد.

شاعران که بر خود فرض دانسته بودند از فرهنگ انقلاب پاسداری کنند با وقوع جنگ تحمیلی، به میدانی دیگر پناهندند و شعر و ادبیات دفاع مقدس شکل گرفت. جنگ هشت ساله گونه جدیدی از شعر حماسی را در ادبیات فارسی آفرید. شعری حماسی که روح عرفانی، دادخواهی، حق‌طلبی و صلح‌جویی و مبارزه با ظلم و ستم نیز در آن دمیده شده است.

ادبیات داستانی نیز خود را به این کشاکش کشاند و همگام و همراه مردم و شاعران شد. ادبیات داستانی چه در زمان جنگ و چه پس از آن هر چند تا نقطه مطلوب فاصله دارد اما نویسندگان قابل اعتنایی را به انقلاب هدیه کرد.

همزمان با سی و پنجمین سال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، بر آن شدیم با تهیه این «ویژه‌نامه» گوشه‌ای از ادبیات برآمده از انقلاب را مرور کنیم. در این ویژه‌نامه شاعران و نویسندگان صاحب نامی دست‌یاری ما را افشردند و یا به گفت و گورضایت دادند و یا وقتی را برای نوشتن مقالاتی در خور و ارزشمند اختصاص دادند. این ویژه‌نامه تنها گوشه‌ای از عظمت ادبیات انقلاب را به تماشا گذاشته است. چرا که بی‌گمان فصل‌ها و بخش‌های بسیار دیگری را می‌شد در این کار دید که مثنوی هفتاد من می‌شد و در این تنگنای ویژه‌نامه نمی‌گنجید. به هر حال سعی کردیم علاوه بر نشان دادن عظمت و شکوه ادبیات انقلاب که امروز صاحب اعتبار و جایگاهی در ایران و جهان شده است، نگاهی انتقادی هم به مواردی داشته باشیم. چرا که باور داریم بی «نقد» هیچ راهی گشوده نمی‌شود و اگر «انتقاد» صادقانه و مشفقانه نباشد، اشتباهات چون آفتی دامگیر ما و ادبیات ما می‌شود و صد البته هیچ کاری بی اشکال و بی عیب نیست چنان که همین ویژه‌نامه هم از این قاعده مستثنی نخواهد بود.

امید که این گونه کارها بتواند راه را برای جهش بیشتر و بهتر در عرصه انقلاب اسلامی بگشاید به ویژه که ادبیات روزگار ما نیازمند معرفی به جهان است و در این راه چندان موفق نبوده ایم و عرصه ترجمه باید فعال‌تر از گذشته دیده شود و ادبیات انقلاب را که امروز در گستره ادبیات فارسی سرفصلی به نام خود اضافه کرده است روز به روز روشن‌تر، تأثیرگذارتر، مانا تر و جهانی‌تر بباییم.